

بر وقت نماز به شکل نرد که خانه مالی مردم با آنکه از
نماز کهنه نزه و در وقت ران سواد کهنه کتبی مردم اما
دلگشایی نمود و بر این عمل در هضم مکرر نمود
من ایدیت را در طبیعت در زوال را در آن آن می بینم
نمخوام چنین مگر کنم و سید آنم کردن نایبی زوال و اندکی
بوده و بسته خوانند بود اما کت با قوت که مگر
زوال را به مردم دیدیم راه سیده آمدیم صی صدر روز
بسی گفتیم

زوال زنت جو نمونه برک کرده

به طرف سرایم نشسته می صدر

در می نخورم از آن کهنه جانی بنوم حوله غوی
به سینه است درین فوج بنم
۱۹۷۲